

# روایت شور فاطمی در شعر شاعران اردبیل

شعر به واسطه هنجارگریزی‌ها و آرایه‌های ادبی، ارتفاعی فراتر از سخن عادی دارد و با افزودن شدن چاشنی عشق معصومین (ع)، شاعر در عالم کشف و شهود قدم گذاشته و بدایعی الهام‌گونه را می‌آفریند، همچنانکه این روزها شمیم معارف فاطمی سبب تولد سروده‌های ناب در محافل ادبی استان اردبیل شده است.

به گزارش خبرنگار ایرنا استان اردبیل به لحاظ داشتن پیشینه و آوازه مذهبی و فرهنگی، مهد محافل شعری آمیخته با دین و مذهب بوده و هست و در این راستا انجمن‌های ادبی متعددی در همه شهرستان‌های این استان و بخصوص در مرکز آن همچون انجمن‌های آل محمد (ص)، کلک خیال، خطایی، ادواری و بانوان تشکیل شده است و نمود و بروز آنها در مناسبت‌های ملی و مذهبی برجستگی خاصی دارد.

شامگاه دوشنبه مصادف با شب شهادت حضرت فاطمه (س) با همت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اردبیل و همکاری و همداستانی جمعی از اعضای انجمن‌های ادبی یادشده، محفل شعر فاطمی در سالن سخنرانی اداره کل مذکور برگزار شد و شمیم معرفت فاطمی فضای جلسه را معطر ساخت.

من متاسفانه با کمی تاخیر وارد محفل شدم، سکوتی آمیخته با توجه و تمرکز سنگین، فضای جلسه را در اختیار داشت و مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بعد از تلاوت کلام وحی، سخنان خود را آغاز کرده بود.

او و برخی از شعرا به نشانه روز عزای فاطمی جامه سیاه برتن داشتند و البته رنگ‌های متنوع نیز در لباس شاعران مشهود بود و در واقع با وجود اینکه محل جلسه، فضایی اداری و رسمی بود، اما محفل انس بود و شعرا و ادبا هم به حدود و ثغور رایج و مرسوم واقف هستند و هم در عین صمیمیت و رسالت شاعرانگی، هر چه دل تنگشان می‌خواهد می‌گویند.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی اردبیل که سابقه سالها اجرای برنامه در شبکه برون مرزی صدا و سیما را دارد و زبان و بیان ترکی وی از ظرافت و زیبایی خاصی برخوردار است، نقبی به دوران حیات پیام‌آور نور و رحمت، محمد مصطفی (ص)، واقعه جانگداز عاشورا و سپس عظمت

زهراى مرضيه (س) زد و ارزشها و آموزه‌هاى نبوى، علوى و فاطمى را ذخايرى تمام نشدنى براى شعر و ادب توصيف كرد.

**عبدالله بحرالعلومى** عشق و تعلق خاطر به اولياى الهى را مشخصه بارز شعرا بخصوص شاعران ترك زبان دانست و گفت: درك و تجربه ظرايف اندیشه و سيره معصومين (ع) به روحى زلال و متفكر نياز دارد و عبارت مشهور زينب كبرى (س) يعنى "ما رأيتُ الاَّ جميلاً" نمونه بارز نگاه متفاوت و عميق به وقايع تاريخ اسلام است و شاعران نيز با نگاه‌هاى فراتر از عامه مردم، به تصوير و توصيف رویدادها مى‌پردازند.

زمان شعرخوانى فرارسيد و **موسى فتحى** شاعر و مجرى خوش صدای محفل ادبى، چند بيت عاربه از حميدرضا برقى شاعر معاصر را اينگونه خواند:

زنى از خاك و از خورشيد و از دريا قديمى‌تر / زنى از حورى و آسيه  
و حوا قديمى‌تر / زنى از نيت پيدايش دنيا قديمى‌تر / كه قبل از قصه  
قالوا بلى اين زن بلى گفته ...

شروع شعرخوانى با اين مطلع پر قدرت، همه را براى خوانش سروده‌ها آماده كرد و البته او در اثنای اجرا به اين نکته اشاره داشت كه خوانش شعر نه بر اساس رتبه و درجه ادبى و هنرى شعرا بلكه بر اساس زمان حضور و شركت به موقع در جلسه است و قصدى در پس و پيش دعوت كردن براى شعرخوانى نيست.

با دعوت مجرى، خانم **شبنم فرضى زاده** از شاعران پرقدرت و صاحب اثر اردبيل شعرخوانى را آغاز كرد و شعر او طبق هميشه در خور موضوع، محكم و با محتواى خوب بود و به نوعى به واقعه در و ديوار و جراحت پهلوى دختر عفيف پيامبر خدا اشاره داشت و تقريباً با اين مضمون و كلمات تمام كرد كه " ما را ببخش كه از درد و آتش نوشته ايم / ما را ببخش كه آنجا نبوده ايم ...

شاعر بعدى خانم **امان پور** بود كه با اين بيت " تو اى كوثر اى روح قرآن و دين / به لطف و صفا عاشقان را ببين" شعرش را شروع كرد و در واقع دست اميد و التجا به دامن مبارك فاطمه (س) دراز نمود و او همچنين چند بيت تركى نيز در اين مناسبت محزون خواند: "سپنده گويلره عشقين شراره سين اورگيم / ديليمده اولدوز اولوب پارچالاندى دويغولاريم ...

به خاطر فاصله ای که داشتم صدا و نام برخی شاعران را به درستی متوجه نمی شدم و در ادامه، شاعره ای به نام خانم بهشتی شعری با مطلع " شبی من رازدار قصه ی پروانه‌ها بودم / اسیر اشک و دود و آتش ویرانه‌ها بودم" خواند و عمده مضامین سروده او راجع به روز عاشورا بود و سپس خانم ندایی شعری کاملاً مرتبط با مناسبت و با این سرآغاز خواند که " بانو قرار عاشقیات برقرار شد / وقتی تمام کوچه به عشقت دچار شد.

گرماگرم شعرخوانی بود و مجری برنامه هر از چندگاهی ابیاتی ناب در رثای صدیقه کبریا (س) می‌خواند و شاعران را به خوانش شعر فرا می‌خواند و اینک نوبت خانم پری قدیمی بود تا شعرش را بخواند و او شعری آزاد و خارج از قالبهای کلاسیک را پیشکش کرد " بغض یک سیلی بود و خدا تمام کوچه‌ها را گریه می‌کرد"

بعد از وی چند بانوی شاعره و تنی چند از آقایان شاعر، وقت خود را به دیگران وقف کردند.

آقای قاسمی شعری ترکی خواند و حال و هوای شعرش بیشتر با مداحی و مرثیه عجین بود و اینگونه شروع می شد که " منتهای ظلمدن افلاکه دوشدی ولوله / دوندی قانه گوز یاشی، اتدی شکایت کوچه ده.

شاعری با عنوان عزیزاده نیز شعری آهنگین و موزن را به گوش حاضران رساند که مطلعش اینگونه بود " فاطمه ای مخزن اسرارها / فاطمه ای معنی گفتارها / کیستی که مانده در وصف بسی / پای در گِل مرکب افکارها...

مجری ناگهان من (عیسی پاشاپور) را به شعرخوانی دعوت کرد؛ من در انتهای جلسه از میکروفون دور بودم و ناچار بلند شدم و با ادای احترام به حاضران، اجازه خواستم تا برای تغییر حال و هوای انجمن، شعری متفاوت از حیث موضوع بخوانم و سپس سروده ای در وصف برف و زمستان را از روی یادداشت گوشه همراهم خواندم و چند بیتش این بود " خواندند تا به گوش زمین داستان برف / افتاد خاک دلشده بر آستان برف / خشکید بیت بیت غزل‌های جویبار / تا سرکشید شعر سپید از زبان برف / شالی سفید داد به کوه و کرانه باد / باغ عطسه کرد از گذر ناگهان برف / چون صید در محاصره‌ی خیل گرگ ها / بیکار مانده کارگری در میان برف ...

حاج ولی محمدی از بزرگان شعر استان اردبیل شاعر بعدی بود که افتادگی و وزانت طبع و ادبش، جایگاه خاصی در میان شعرا به او

بخشیده است و شعر او در عین سادگی و گریز از تکلف و تصنع، پخته است؛ شعر او اینگونه شروع می شد که " اولدی پیغمبر، اولوب غمگین خیال فاطمه / سولدی غم دن غصه دن گول تک جمال فاطمه / اولمادی غم دن رها فکر و خیال فاطمه ...

آقای **نوری** از دبیران پیشکسوت و شاعران با تجربه اردبیل نیز در ادامه، شعری ترکی با این ابیات را به انجمن هدیه کرد " چیمیشام بیر یئره کی گنبد مینا گورونور / پوزولوب بند تعلق دل شیدا گورونور / ارم باغ وجود ایچره گزیر جان دیلیم / هر ایشی حکمت ایلن، حکمتی اعلا گورونور...

شعر او در واقع اشاره به آفرینش و فلسفه هستی داشت و در ادامه به ارزشها و معارف دینی نیز پرداخته بود و مثل شعر سایر شاعران، با صلوات حاضران مورد استقبال و تمجید قرار گرفت.

دکتر **شهاب الدین وطن دوست** به عنوان شاعر بعدی شعرخوانی کرد؛ او از استادان دانشگاه محقق اردبیلی و از داوران جشنواره های ادبی استان است و شعر دفاع مقدس یکی از حوزه هایی است که او در آن قلمفرسایی کرده و آثار قابلی به علاقه مندان ارزانی داشته است.

وطن دوست شعرهایش را با این رباعی تاثیرگذار شروع کرد: " از سوگ تو آسمان غم آکنده / خورشید ز نور دیده ات تابنده / از سوگ تو تا روز قیامت ای گل / دیوار سر افکنده و در شرمنده

او همچنین شعری عاشورایی نیز قرائت کرد و تقریباً با این مضمون و اینگونه به سرانجام رساند که " هزار سال از آن روزها گذشت و هنوز / زند به بام فلک پرچم ظفر چشمت ...

جناب **انوش**، یار همیشه همراه و همکار انجمن های ادبی اردبیل نیز که ثبت و ضبط و مستندسازی نشست های شعرا و ادبا را بر عهده دارد و به جرات می توان گفت که حضور وی سبب انسجام و مدیریت بهینه جلسات میشود، از آغاز برنامه در گوشه و کنار سالن حضور می یافت و با عکسبرداری و فیلمبرداری و تهیه لیست شاعران حاضر، سعی در پربار بودن نشست داشت و در پایان نیز ده ها جلد از یک کتاب شعر مذهبی اهدایی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی را در میان شاعران توزیع کرد.

**بحرالعلمی** مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی که خود از شاعران و ادبای استان است با صدا و بیان شیوا و دلنشینش، به عنوان حسن ختام

جلسه، چند بیت بدیع ترکی در ارتباط با عاشورا و ارزشهای و آموزه‌های دینی را به گوش حاضران رساند و تحسین حاضران را برانگیخت.

اکنون دیگر شب فرارسیده بود و تاریکی هوا از پنجره سرک می‌کشید و زمان وداع را گوشزد می‌کرد و سرانجام، همگی در حین خروج از جلسه، به دعوت آقای انوش در راهروی اداره کل لحظاتی برای گرفتن عکس یادگاری ایستادند و بدین ترتیب، یکی دیگر از روزهای پرکار خود را البته با بهره مندی از خوان احسان و اکرام فاطمی به پایان رساندند.

تا باد چنین بادا